



ادبیات فولکلور



شاگردان عزیز! فرهنگ هر ملت وسیله عمده‌ی است برای دریافت هویت اصلی آن ملت، که از خلال داشته‌های فرهنگی‌اش می‌توان ماهیت و کیفیت اصلی و ویژه آن را بازشناسی کرد. در سال‌های گذشته، شما گوشه‌هایی از چیستان‌ها و دوبیتی‌های فولکلوری را خواندید. در درس امروز می‌خواهیم با ادبیات فولکلوری، که یکی از بخش‌های عمده فولکلور را تشکیل می‌دهد، آشنایی حاصل کنیم. حال بگویید که:

۱. به نظر شما، ادبیات فولکلوری به چه چیزی می‌گویند؟
۲. ادبیات فولکلوری با خود فولکلور چه تفاوتی دارد؟
۳. چه نام‌های دیگری را می‌توانید به جای «ادبیات فولکلوری» به کار ببرید؟

یکی از شاخه‌های فرهنگ عامیانه یا فولکلور، ادبیات عامیانه یا ادب شفاهی است که شامل قصه‌ها، افسانه‌ها، اسطوره‌ها، ترانه‌ها، تصنیف‌ها، بازی‌های منظوم، امثال و حکم، ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌های گفتاری است که از فردی به فرد دیگر یا از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود؛ این مجموعه، از جملهٔ مشترکات فرهنگی یک ملت و عامل پیوند آن‌هاست.

چون فرهنگ عامه متعلق به مردم عامه است، از این‌رو ادبیات عامه هم پیوندی با واقعیت‌های زنده‌گی عادی مردم دارد. این نوع ادبیات در واقع بازتاب زنده‌گی اجتماعی و فرهنگی مردم، شیوهٔ کار و تولید آن‌ها و نشان‌دهندهٔ رفتار، اندیشه، احساس، مذهب، اخلاق و اعتقادات هر جامعه است که بعضاً هنوز هم به ثبت و ضبط نرسیده و نوشته نشده است. ادبیات عامیانه، آثاری هست غالباً شفاهی و پدید آمده توسط مردمانی بیسواد یا کم‌سواد که از جهت ساختار و محتوا، با ادبیات مکتوب زبان دری متفاوت است. زبان ساده، لحن عامیانه، حالات و اندیشه‌های عوام در این ادبیات نمایان است؛ فولکلورشناسان، ادبیات مردم را به دو بخش: (روایت‌های منظوم و روایت‌های منثور) تقسیم کرده اند:

روایت‌های منظوم

شعر فارسی دری در اصل دو گونه است: شعر معیاری که مخاطبان آن بیشتر طبقهٔ باسواد و تحصیل کرده اند و دیگر شعر عامیانه که طرف توجه عامهٔ مردم است. شعر عامیانه از دل شاعرانی گمنام برآمده و در هر شکل و نوع آن آیینۀ روح و اندیشهٔ ملت‌ها و ترجمان احساسات پاک و صمیمی آن‌هاست. این اشعار به وسیلهٔ تصاویر و تشبیهات ساده و محسوس و دلپذیر و خوش‌آهنگ در اذهان مردم کوچه و بازار می‌نشینند و بر زبان‌ها جاری و زمزمه می‌شود. گاه این ترانه‌ها و سرودهای عامیانه و محلی آن چنان معروف می‌شوند که از حوزهٔ جغرافیایی خود پا فراتر گذاشته، در ردیف اشعار ملی به شمار می‌آیند. ترانه، دو بیتی، چهاربیتی، سنگردی، بیت گردکی، کوچه باغی، سیغانی، ضرب‌المثل، چیستان و بازی‌های منظوم، گونه‌های مختلف روایت‌های منظوم یا شعر عامیانه به شمار می‌آیند که در جامعه کاربردهای گوناگونی دارند. از گونه‌های شعر عامیانه در زنده‌گی روزمره، در موقعیت‌ها و زمان‌های خاص استفاده می‌شود، چون مراسم تولد، عروسی، عزاداری، پرورش کودک، بدرقه، اعیاد و جشن‌های دینی و ملی و هنگام کار؛ چون: رمه‌چرانی، قالین‌بافی، شالی‌کوبی، شیردوشی و... یا استراحت.

روایت‌های منثور

روایت‌های منثور بیشتر شامل اسطوره‌ها، قصه‌ها، افسانه‌ها، ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌ها است.

اسطوره‌ها بیشتر در برگرفته‌ی اصول عقیدتی، باوری و ایمانی استند که درباره‌ی جهان، بشر، زنده‌گی، مرگ، خصایص انسان و حیوان و... در قالب داستان مطالبی را ارائه می‌دهند.

افسانه‌ها و قصه‌ها نیز بخش دیگری از روایات منثور ادب عامیانه هستند. در این نوع به خوبی می‌توانیم واقعیت‌های زنده‌گی، اعمال، افکار و عواطف انسانی را پیدا کنیم. زبان قصه‌ها ساده است و ساختمان آن‌ها پر رمز و راز. افسانه‌ها را می‌توان به چهار دسته کلی تقسیم کرد:

۱. افسانه‌های خیالی: شامل حوادث و ماجراهای عجیب با موجودات تخیلی، وهمی و جادویی....

۲. افسانه‌های حقیقی: بیان زنده‌گی روزمره مردم است با اندکی مبالغه.

۳. افسانه‌های تاریخی: سرگذشت حیرت‌آور و شگفت‌انگیز عیاران، پهلوانان، شاهان و امیران است.

۴. افسانه‌های شوخی‌آمیز: بیشتر جنبه‌ی هزل و شوخی دارند.

دو نوع قصه‌های حیوانات و قصه‌های رمزگونه را نیز می‌توان بر چهار نوع بالا علاوه نمود. ضرب‌المثل‌های منظوم یا منثور که در میان مردم گسترده شده‌اند، نیز از انواع رایج ادبیات عامیانه است. این امثال به علت فصاحت و زیبایی مضمون، مقبول طبع عامه واقع می‌شود و میان آنان شایع می‌گردد که با توجه به معانی عمیق و باریک، در موقعیت‌های مناسب به کار می‌رود و در نتیجه به ایجاز کلام کمک می‌کند. ضرب‌المثل‌ها از ترکیبی پیچیده و محتوایی سنگین برخوردار است که آن‌ها را بیشتر بزرگ‌سالان به کار می‌برند.

چیستان‌ها نوع دیگری از ادبیات عامیانه است که خصوصیات و کیفیاتی از آدم‌ها، حیوانات، گیاهان و... را در طبیعت و زنده‌گی عادی مردم با زبان استعاره، تمثیل، تصویر و توصیف بیان می‌کنند و پاسخ و نام آن را جویا می‌شوند.

باید گفت که توجه به فرهنگ شفاهی نه تنها به باروری و غنای مکتوبات در عرصه فرهنگ کمک می‌کند؛ بلکه موجب استحکام وضع فرهنگ جاری جامعه می‌شود. ادبیات فولکلور تنها ادبیات نیست؛ بلکه فرهنگ سرزمینی است که از فراز و نشیب تاریخ و ذهن مردان و زنان آن سرزمین گذشته و تا زمانه ما ادامه یافته است.